

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده : علی کاظمی

۰۶.۰۶.۱۰

## ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۱۴ خرداد ماه

### وحشی‌گری رژیم اسرائیل و جشن جمهوری اسلامی

حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی و نژادپرست اسرائیل به کاروان کشتی‌های حامل مواد غذایی، دارو و خانه‌های پیش ساخته برای مردم تحت محاصره غزه، که منجر به قتل ۹ نفر و مصدوم و زخمی شدن گروه دیگری گردید، موجی از خشم و انزجار نسبت به این اقدام وحشیانه اسرائیل را در سراسر جهان پدید آورد. در تعدادی از کشورهای جهان، مردم با برپائی تظاهرات، این اقدام ضد انسانی رژیم اسرائیل را محکوم کردند و همبستگی خود را با توده‌های ستمدیده مردم فلسطین ابراز داشتند. خشم و انزجار افکار عمومی جهان نسبت به این اقدام وحشیانه اسرائیل به حدی رسید که برخی از دولت‌های حامی اسرائیل به ویژه قدرت‌های اروپائی، به ناگزیر به نحوی آن را محکوم کردند. شورای امنیت سازمان ملل نیز با صدور بیانیهای در قبال این اقدام اسرائیل واکنش نشان داد و آن را محکوم نمود. جمهوری اسلامی هم در ظاهر امر بیش از همه دولت‌ها تلاش می‌کرد که نارضایتی خود را از این اقدام اسرائیل نشان دهد و آن را محکوم نماید. راهپیمائی‌ها و تجمعات متعددی را سازمان داد. سران و ارگان‌های رژیم، هر یک جداگانه موضع‌گیری کردند. خامنه‌ای نیز شخصاً بیانیهای انتشار داد و جالب این‌جاست که این سردسته آدمکشان جمهوری اسلامی که روزمره، مردم ایران را سرکوب می‌کند، به زندان می‌اندازد، شکنجه می‌کند، گروه‌گروه اعدام می‌کند و در وحشی‌گری چیزی از اسرائیل کم ندارد، پیشیزی برای افکار عمومی جهان و ابتدائی‌ترین حق و حقوق انسانی ارزش قائل نیست، افکار عمومی جهان و "وجدان‌های بیدار در سراسر جهان" را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

"فلسطین، دیگر مسأله‌ای عربی و حتی نه فقط مسأله‌ای اسلامی، بلکه مهم‌ترین مسأله حقوق بشری جهان معاصر است."

این اظهارات چیزی جز عوام‌فریبی‌های همیشگی جمهوری اسلامی نیست. خلاف آنچه که سران جمهوری اسلامی در ظاهر می‌گویند، نه افکار عمومی جهان برای آن‌ها ارزش و اعتبار دارد و نه "مسأله حقوق بشری جهان

معاصر" و نه فلسطین، این ادعاها صرفاً تبلیغات پوشالی است، دقیقاً همان گونه که تلاش می کنند اقدام وحشیانه دولت اسرائیل را ظاهراً محکوم نمایند، اما در واقعیت، در سراسر جهان، تنها جمهوری اسلامی است که از این اقدام وحشیانه رژیم اسرائیل بسیار خوشحال گردید و در واقع جشن جمهوری اسلامی اسلامی بود. اما چگونه؟

در منطقه خاورمیانه دو دولت توسعه طلب و مذهبی، دولت یهودی اسرائیل و جمهوری اسلامی وجود دارند که هر یک، دیگری را وسیله و بهانه ای برای پیشبرد سیاست های ارتجاعی خود قرار داده، راز بقای خود و اعمال سیاست هایشان را در تشدید درگیری ها و تشنج آفرینی ها در منطقه می دانند و سیاست های هر یک، در خدمت دیگری قرار دارد.

رژیم اشغال گر و توسعه طلب اسرائیل که سرزمین های مردم فلسطین را به اشغال خود در آورده، خلق فلسطین را تحت ستم و سرکوب قرار داده و حاضر نیست دست از اشغال گری و ستم گری بردارد، سیاست های توسعه طلبانه پان اسلامیستی جمهوری اسلامی را برای ایجاد یک رژیم اسلامی در فلسطین بهانه قرار داده و زیر پوشش این توجیه و بهانه، سیاست اصلی خود را که همانا اشغال گری و ستم گری بر مردم فلسطین است پیش می برد. این رژیم ارتجاعی، اکنون که حتا از سوی متحدین خود زیر فشار قرار گرفته تا سرزمین های اشغالی را تخلیه و حق مردم فلسطین را برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی به رسمیت بشناسد، برای نجات خود و کاستن از دامنه فشارها و بر هم زدن هر گونه توافقی برای صلح، به تشنج آفرینی روزمره و بحرانی تر ساختن هر چه بیش تر اوضاع در خاورمیانه نیاز دارد. از همین روست که از مدت ها پیش اقدامات سرکوب گرانه و وحشیانه خود را علیه مردم فلسطین، به ویژه غزه تشدید کرده است، خانه سازی در مناطق اشغالی را وسعت داده است و نتانیاهو تمام قرار و مدارهای دولت های پیشین را زیر پا گذاشته است. اقدام اخیر در حمله نظامی به کاروان کشتی های امدادسانی به مردم غزه نیز ادامه همین سیاست است. توجیه و بهانه آن ها نیز همان گونه که گفتیم جمهوری اسلامی است. بنابراین نتانیاهو که در پی این اقدام وحشیانه زیر فشار افکار عمومی و تعداد زیادی از دولت های جهان قرار گرفته است، مسأله را به جنگ غیر مستقیم خود با جمهوری اسلامی ارتباط داد و اعلام کرد

"اسرائیل اجازه نخواهد داد غزه به بندر ایرانیان در مدیترانه تبدیل گردد."

اما به طور واقعی نقش جمهوری اسلامی ایران در این میان چه بود؟ چه منافعی را در این میان تعقیب می کرد؟ در ظاهر امر، جمهوری اسلامی نقشی در این میان نداشت، اما یکی از نیروهای اصلی سازماندهی کاروان، پشت صحنه بود. بی دلیل هم نبود که افرادی از ۳۵ کشور جهان در این کاروان حضور داشتند، اما یک نفر هم از ایران در میان آن ها نبود، به این دلیل که رژیم اسرائیل نتواند آن را بهانه ای برای دخالت جمهوری اسلامی قرار دهد. اعزام این کاروان به سوی غزه برای جمهوری اسلامی به هیچ وجه از زاویه کمک های انسان دوستانه برای مردم تحت محاصره غزه مطرح نبود. آن چه برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت بود، تعقیب همان سیاستی است که نتانیاهو دنبال می کند. جمهوری اسلامی می دانست که رژیم اسرائیل نخواهد گذاشت محاصره غزه از طریق این کاروان در هم شکسته شود و حتا به زور سرنیزه و کشتار متوسل گردد. این آن چیزی است که جمهوری اسلامی خواهان آن بود و دقیقاً همین اتفاق نیز افتاد. جمهوری اسلامی از جهات مختلف داخلی و خارجی به این تشدید درگیری ها نیاز دارد و از آن در خدمت سیاست های خود نفع می برد. لاینحل ماندن مسأله فلسطین، همواره یکی از مسائلی بوده است که رژیم در داخل و نیز برای پیشبرد سیاست خارجی خود از آن بهره برداری کرده است. صهیونیسم برای جمهوری اسلامی بهانه ای می شود که از طریق آن بر بحران های داخلی خود سرپوش بگذارد و هر اعتراض و جنبش و بحرانی را به صهیونیست ها نسبت دهد، درست همان گونه که اسرائیل هر جنایتی را علیه مردم

فلسطین به نام دخالت جمهوری اسلامی پیش می‌برد. در جریان وحشی‌گری اخیر اسرائیل نیز جمهوری اسلامی تلاش کرد بیش‌ترین بهره‌برداری را از آن در خدمت پیشبرد سیاست‌های خود بنماید. از یک طرف در میان توده‌های مردم ایران، آن را دلیلی بر درستی سیاست خارجی خود معرفی نماید و از طرف دیگر همه گروه‌ها و جناح‌های جمهوری اسلامی را به تبعیت از این سیاست وادارد. اما نفع دیگری که جمهوری اسلامی از کشتار مردم به دست رژیم اسرائیل دنبال می‌کرد، این بود که جبهه کشورهای عربی با اروپا و آمریکا را که می‌خواهند از طریق زیر فشار قرار دادن اسرائیل به توافق میان اسرائیل و دولت خودگردان فلسطینی برسند، تضعیف نماید و سیاست خود را در برابر آن‌ها پیش ببرد. از این جهات است که می‌گوئیم تنها دولتی که واقعاً از وحشی‌گری دولت اسرائیل سود برد و خوشحال گردید، جمهوری اسلامی بود. بنابراین روشن است که رژیم اسرائیل با سیاست‌های ارتجاعی خود به جمهوری اسلامی خدمت می‌کند و جمهوری اسلامی نیز با سیاست‌های خود در خدمت دولت اسرائیل قرار دارد. هدف این هر دو دولت ارتجاعی نیز یکی است. تشنج‌آفرینی و تشدید بحران‌ها، در بند ماندن توده‌های تحت ستم فلسطین و لاینحل ماندن مسئله فلسطین.

تشدید درگیری‌ها و بحران هم در خدمت رژیم نژادپرست و اشغال‌گر اسرائیل است که نمی‌خواهد دست از اشغال‌گری بردارد و هم در خدمت جمهوری اسلامی است که از طریق آن بتواند سیاست‌های پان اسلامیتی خود را در منطقه پیش ببرد. این واقعیت باید برای توده‌های مردم ایران روشن باشد که مخالفت ظاهری جمهوری اسلامی با رژیم اسرائیل نه بر سر حق و حقوق پایمال شده مردم فلسطین، بلکه نزاع دو دولت یهودی و اسلامی است و تمام خواست جمهوری اسلامی هم در این است که یک دولت مذهبی در فلسطین بر سر کار آورد. توده‌های مردم ایران باید حساب مردم ستم‌دیده را از نزاع این دو دولت ارتجاعی و گروه‌های اسلام‌گرای طرفدار جمهوری اسلامی جدا کنند. باید تمام اقدامات اشغال‌گرانه و سرکوب‌گرانه رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه مردم فلسطین به طور کلی و مردم غزه را به طور خاص، شدیداً محکوم کرد. در عین حال سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی و ماهیت ارتجاعی گروه‌های اسلام‌گرای فلسطین تغییری در این واقعیت پدید نمی‌آورد که حساب مردم فلسطین از این مرتجعین جداست. باید از مردم فلسطین حمایت کرد و خواهان حق تعیین سرنوشت این مردم، و تشکیل یک کشور و دولت مستقل فلسطینی بود.

### شبهه رسوای "عفو" ملوکانه "مقام عالی"

رژیم‌های دیکتاتوری، تنها در سرکوب، اختناق و پایمال کردن حقوق مردم به یکدیگر شبیه نیستند، بلکه روش‌های مضحک و مسخره‌آمیز آن‌ها نیز به یک دیگر شبیه است و از یکدیگر می‌آموزند. در دوران دیکتاتوری رژیم شاه، در حالی که هزاران تن از آزادی‌خواهان و مبارزات کمونیست به بند کشیده شده بودند، هر سال به مناسبت سالروز تولد شاه، چند نفری از نادمین، مشمول لطف شاهانه می‌شدند و برای نشان دادن سخاوت و انسان‌دوستی دیکتاتور، مشمول عفو ملوکانه می‌شدند و آزادی آن‌ها در روزنامه‌ها به عنوان نادمینی که از کرده خود پشیمان شده و تقاضای بخشش کرده‌اند، جار زده می‌شد.

جمهوری اسلامی هم این بازی مسخره و رسوا را از دیکتاتوری رژیم شاه به ارث برده است و اکنون خامنه‌ای در همان نقشی ظاهر شده است که شاه عهده‌دار بود.

تنها در طول یک سال اخیر هزاران تن از مردم مبارز و آزادی‌خواه ایران به علت مخالفت‌شان با رژیم استبدادی حاکم بر ایران به بند کشیده شده‌اند. تمام زندان‌ها در سراسر ایران به حدی انباشته از زندانیان سیاسی شده است که

رژیم در پی ایجاد زندان‌های جدید برآمده و اخیراً خبر از دائر شدن زندانی جدید در کهریزک انتشار یافت. با تمام فشارهایی که در زندان‌ها به زندانیان سیاسی وارد می‌شود، رژیم نتوانسته اراده آن‌ها را به مقاومت در هم شکند. به جز تعداد بسیار اندکی از وابستگان به خود رژیم که در جریان اختلافات جناح‌ها دستگیر شده بودند و طبیعتاً انگیزه‌ای برای مقاومت نداشتند، عموم زندانیان سیاسی در مقابل ارتجاع، سر تسلیم فرود نیاوردند و قهرمانانه ایستادگی کرده‌اند. این مقاومت و ایستادگی در آن حد است که دستگاه سرکوب رژیم را از چند هفته پیش به تکاپو انداخت تا با شیوه‌های برخورد به اصطلاح ملایم‌تر وارد گفتگو با برخی زندانیان و خانواده‌های آن‌ها گردد، تا شاید بتواند گروهی را به تقاضانامه عفو و اداری نماید که مشمول عفو دیکتاتور قرار گیرند.

دادستان تهران از زندان‌ها بازدید کرد و وعده آزادی به زندانیان سیاسی را داد. با خانواده‌های تعدادی از زندانیان تماس گرفته شد تا با پر کردن یک فرم، تقاضای بخشش عزیزان خود را بنمایند. این اقدامات منجر به اعتراضاتی از سوی خود زندانیان سیاسی و خانواده‌های آن‌ها گردید و کارگزاران رژیم، مجبور شدند که آن را متوقف سازند. سرانجام از میان هزاران تن که در زندان‌ها به سر می‌برند، در این هفته اعلام شد که ۸۱ تن از محکومان محاکم عمومی و انقلاب از شرایط برخورداری از عفو یا تخفیف مجازات برخوردار شده و مورد تصویب اعلیحضرت خامنه‌ای قرار گرفته است.

آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه رژیم به خامنه‌ای نوشت:

به فضل الهی و با رهبری ولی فقیه پایه‌های نظام اسلامی مستحکم است و بر همه توطئه‌ها و مشکلات فائق آمده است. "دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضائی با فتنه‌گران و قانون‌شکنان و عوامل ناامنی برخورد کردند." اکنون "عده‌ای از این افراد فریب‌خورده به خود آمده و از کرده خود پشیمان و اظهار ندامت و درخواست عفو دارند." در صورت تصویب مقام عالی، اقدام می‌گردد. "اعلیحضرت خامنه‌ای هم پاسخ داد موافقت می‌شود که ۸۱ تن از محکومان محاکم عمومی و انقلاب واحد شرایط، از عفو یا تخفیف مجازات برخوردار گردند. دقیقاً عین همان شیوه رسوای آزادی نادمین به مناسبت سالروز تولد شاه. اما این شیوه‌های کثیف و رسوا نه فقط کمکی به دیکتاتورها نکرده و نخواهد کرد، بلکه بالعکس نفرت و انزجار از دیکتاتور را در میان مردم تقویت و مقاومت را در صفوف زندانیان سیاسی افزون‌تر خواهد ساخت. این شیوه‌های تنفرانگیز نه می‌تواند در عزم و اراده زندانیان به مقاومت و مخالفت با رژیم ضد انسانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی خللی ایجاد نماید و نه از دامنه مبارزه و اعتراض مردم علیه این رژیم بکاهد. بنابراین سرنوشت جمهوری اسلامی و خامنه‌ای هم چیز دیگری جز سرنوشت رژیم سلطنتی و محمدرضا شاه نخواهد بود. سرانجام توده‌های مردم ایران در و دیوار زندان‌ها را در هم می‌شکنند و زندانیان سیاسی را از اسارت نجات خواهند داد.

---

### وزیر علوم در تدارک تصفیه بزرگ در دانشگاه‌ها

وزیر علوم جمهوری اسلامی در این هفته به همراه هیأت دولت به استان ایلام رفته بود و در جمع گروهی از دانشگاهیان سخنرانی کرد. خلاصه سخنرانی وی در یک جمله، تصفیه بزرگ در دانشگاه‌ها بود. وی در سخنرانی خود گفت: در دانشگاه‌ها باید و نبایدها، باید جاری باشد، چرا که در جهان‌بینی توحیدی آزادی با بی بند و باری و هرج و مرج تفاوت دارد. عده‌ای می‌خواستند کاری کنند که حاکمیت نقشی در دانشگاه‌ها نداشته باشد، اما مردم در ۹

دی و ۲۲ بهمن اعلام کردند که در دانشگاهی که باید برای نظام کادر سازی کند، باید این حاکمیت وجود داشته باشد تا دانشگاه از مسیر جمهوری اسلامی خارج نشود.

کسانی که در این مسیر نباشند، بدون تردید جایی در دانشگاه‌ها نخواهند داشت. در حوادث بعد از انتخابات برخی در دام دشمن افتادند که حساب آن‌ها از دانشگاهیانی که مورد اعتماد مردم هستند، جداست.

در چندین ماه گذشته، صدها تن از دانشجویان دستگیر و روانه زندان شده‌اند و هزاران تن اخراج و یا به مدت چندین ترم از تحصیل محروم شده‌اند. کمیته‌های موسوم به انضباطی همه روزه گروهی از دانشجویان را احضار و به آن‌ها اخطار می‌دهند. در همین مدت، تعدادی از استادان دانشگاه‌ها بازنشسته و یا اخراج شده‌اند. اما از آن‌چه که هم اکنون در دانشگاه‌ها می‌گذرد و فشارهایی که به دانشجویان و تعدادی از استادان دانشگاه وارد می‌شود و از همین سخنرانی وزیر علوم آشکار است، جمهوری اسلامی به آن‌چه که تاکنون در دانشگاه‌ها انجام داده، قانع نیست و سیاستی را تعقیب می‌کند که هدف آن تصفیه بزرگ دانشگاه‌هاست. به گفته وزیر علوم جمهوری اسلامی، دانشگاه‌ها باید کاملاً تابع رژیم و باید و نبایدهای آن باشند. همه چیز باید مطابق میل باندهای حاکم جمهوری اسلامی باشد. کسی حق اعتراض و مخالفت ندارد، چون به گفته وزیر علوم آن‌ها عامل دشمن‌اند و بنابراین جایی در دانشگاه‌ها نباید داشته باشند. این‌ها البته خواست جمهوری اسلامی است. اگر قرار می‌بود جامعه ایران، آن گونه که جمهوری اسلامی می‌خواهد سامان یابد، در آن صورت اکنون می‌بایستی جامعه ایران به عصر جاهلیت و قرون وسطایی اسلامی بازگشته باشد. در واقعیت اما روند حرکت تاریخ را نمی‌توان معکوس کرد. تلاش‌های ارتجاع می‌تواند موقتاً بر سر راه پیشرفت تاریخ مانع ایجاد نماید، اما نمی‌تواند چرخ تاریخ را متوقف سازد. از همین روست که تمام تلاش‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی برای بازگرداندن جامعه به عقب با شکست روبرو شده است. جمهوری اسلامی برای این که خود را از شر مبارزه دانشجویان، آگاهی و علم رها سازد، یک بار دانشگاه‌ها را یک سره تعطیل کرد. سپس با گزین کردن و تفتیش عقاید شدید، دانشجوی جدید پذیرفت و پس از چند سال دانشگاه‌ها را گشود، اما دوباره نتیجه همان چیزی شد که جمهوری اسلامی از آن هراس داشت. امروز به مراتب وضع جمهوری اسلامی خراب‌تر از سال ۵۹ است.

اکنون چند ملیون دانشجو در دانشگاه‌ها و مدارس عالی حضور دارند که باید و نبایدهای جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند. این جمعیت بزرگ دانشجویی را نمی‌توان تصفیه کرد. جمهوری اسلامی البته می‌تواند گروهی استاد دانشگاه جیرمخوار داشته باشد و هر استاد مخالفی را تصفیه کند، اما این نیز مشکل رژیم را حل نخواهد کرد. گروهی از همین استادانی که اکنون تصفیه می‌شوند، خود در زمره کسانی بودند که زمانی طرفدار جمهوری اسلامی بودند. بنابراین مشکل جمهوری اسلامی با تصفیه دانشگاه‌ها حل نخواهد شد. یک راه در مقابل آن باقی می‌ماند و آن تعطیل دانشگاه‌هاست. راهی که دیگر امکان عملی کردن آن نیست. لذا تلاش وزیر علوم جمهوری اسلامی برای تصفیه دانشگاه‌ها با شکست رو به رو خواهد شد.

-----